Received: 2025/10/6
Accepted: 2026/9/6
from 183 to 202

Mohammad Khaled Nabinia
Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Ilam, Ilam, Iran.
m.nabinia@ilam.ac.ir

The Customary Identity: A Jurisprudential-Educational Genealogy of the Child's Right to Selfhood in the Qur'an and Hadith

Abstract

Identity is a stable, distinguishing trait of a person and one of the fundamental human rights. Its weakening often begins in childhood. Islam, a pioneering school in law and education, affirmed the child's right to a positive, dignity-based identity long before contemporary legal systems did. The central question of this study is which rights for shaping the child's identity the Qur'anic and hadith teachings establish from a jurisprudential-educational perspective, and how parents, as the primary addressees of these teachings, can realize this right. Using a descriptive-analytical method, the study examines Qur'anic verses and authentic narrations. The findings show that Islam addresses parents through five key rights that strengthen the child's positive identity: (1) acknowledging lineage and taking responsible guardianship, (2) giving a good name (tasmiyah), (3) acquiring knowledge and receiving education, (4) preserving human dignity and honoring the child's personality, and (5) observing justice among children. These rights are derived directly from verses (such as those on preserving lineage, prohibiting offensive nicknames, and commanding justice) and from numerous narrations of the Prophet (PBUH) and the Imams (AS). Their ultimate purpose is to safeguard the dignity and identity of the child as a being worthy of perfection. The results indicate that the Iranian educational system has taken initial steps to preserve children's Islamic identity but needs to give these rich teachings more attention if it is to build a stronger educational structure for the society's future. The study stresses the need to revise educational and upbringing programs in light of authentic Islamic sources.

Keywords:
Child Identity, Right to Identity, Educational Identity-Formation, Qur'anic and Hadith Teachings, Children's Rights in Islam.

هویت معهود: تبارشناسی فقهی- تربیتی حق کودک بر خویشتن از دیدگاه قرآن و حدیث

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۷/۱۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۶/۱۵
از صفحه ۱۸۳ تا صفحه ۲۰۲

محمدخالدنبی‌نیا
استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. (نویسنده‌ی مسئول)
m.nabinia@ilam.ac.ir

چکیده

هویت به‌عنوان ویژگی پایدار و متمایزکننده‌ی فرد، یکی از حقوق بنیادین انسان است که تضعیف آن اغلب از کودکی آغاز می‌شود. اسلام به‌عنوان مکتبی پیشرو در حقوق و تربیت، پیش از نظام‌های حقوقی معاصر، بر حق کودک بر برخورداری از هویتی مثبت و کرامت‌محور تأکید کرده است. پرسش اصلی پژوهش این است: آموزه‌های قرآن و حدیث از دیدگاه فقهی-تربیتی، چه حقوقی را برای هویت‌بخشی به کودک تبیین نموده‌اند و والدین چگونه مخاطب اصلی این آموزه‌ها برای تحقق این حق هستند؟ این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با کاوش در آیات قرآن و روایات معتبر، به بررسی این مسئله پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد، اسلام والدین را از طریق پنج حق مهم مخاطب قرار داده است تا هویت مثبت کودک را تقویت کنند: ۱. اقرار به نسب و سرپرستی مسئولانه؛ ۲. نام‌گذاری نیکو (تسمیه)؛ ۳. دانش‌اندوزی و تعلیم؛ ۴. حفظ کرامت انسانی و تکریم شخصیت؛ ۵. رعایت عدالت میان فرزندان. این حقوق مستقیماً از آیات (مانند آیات مربوط به حفظ نسب، نهی از القاب ناپسند و امر به عدل) و روایات متعدد از پیامبر(ص) و ائمه(ع) استخراج‌شده و هدف نهایی آن‌ها پاسداری از کرامت و هویت کودک به‌عنوان موجودی شایسته‌ی کمال است. نتایج حاکی از آن است که نظام آموزشی ایران، با وجود گام‌های اولیه در حفظ هویت اسلامی کودکان، نیازمند اهتمام بیشتر به این آموزه‌های غنی است تا ساختار تربیتی مستحکم‌تری برای آینده‌ی جامعه فراهم شود. این پژوهش بر ضرورت بازنگری در برنامه‌های آموزشی و تربیتی با تکیه بر منابع اصیل اسلامی تأکید دارد.

واژگان کلیدی:
هویت کودک، حق بر هویت، هویت‌بخشی تربیتی، آموزه‌های قرآن و حدیث، حقوق کودک در اسلام.

۱- مقدمه

مسئله‌ی «هویت» ازجمله چالش‌برانگیزترین و مهم‌ترین موضوعاتی است که از آغاز خلقت تاکنون، ذهن مذهبیون، فلاسفه، ادیبان، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، سیاسیون و متخصصان تعلیم و تربیت را به خود مشغول داشته است. «من کیستم؟» پرسش بنیادینی است که همواره ذهن بشر را به خود مشغول داشته است. این کنجکاوی ریشه‌ای در تلاش انسان برای فهم جایگاه خود در هستی و طبیعت دارد که عمری به بلندای عمر انسان دارد. هویت مسیر پاسخ‌دهی هوشمندانه‌ی فرد یا جامعه به پرسش‌های «چیستی» و «کیستی» است؛ به عبارتی، افراد در پی شناخت تحولات و تغییرات خود از گذشته تاکنون، تعلقات فرهنگی و تمدنی، نقش خود در توسعه و جایگاه اجتماعی و فرهنگی حال حاضرشان هستند.

تصور غالب درباره‌ی هویت این است که صرف داشتن هویت به‌تنهایی نمی‌تواند رفتارهای هنجارمندانه ایجاد کند. گاهی هویت یک فرد حتی با رفتارهای ناپسند یا گرایش به آن نیز مرتبط است. برخی عناصر هویتی آن‌چنان قدرتمندند که حقوق خاصی برای افراد ایجاد می‌کنند؛ به‌عنوان نمونه، تعلق‌خاطر فرد به کسانی که دوستشان دارد، نقش مهمی در شکل‌دهی حقوق هویتی ایفا می‌کند. گفتنی است، پرداختن به همه‌ی حقوق مبتنی بر هویت مستلزم بررسی دقیق محدودیت‌های حقوقی در سطح جهانی است؛ اما به‌طور ساده می‌توان گفت، حقوق هویتی هر فرد همان حقوق بشر است که صرفاً به‌واسطه‌ی انسان بودنش از آن برخوردار است.

شاید در نگاه نخست، به علت ارتباط هویت با شناخت جایگاه فرد در محیط‌های خانوادگی و اجتماعی تصور شود، این موضوع تنها به افراد بالغ و ممیز اختصاص دارد، درحالی‌که هویت شامل همه‌ی افراد بشر از کودک تا سالمند می‌گردد. هویت را می‌توان به دو بخش فردی و اجتماعی تقسیم کرد؛ زیرا بخش عمده‌ای از وجود انسان را تشکیل می‌دهد و زندگی شخصی و اجتماعی او تحت تأثیر آن است؛ بنابراین، بررسی موضوع هویت در کودکان از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا هویت‌بخشی و هویت‌پذیری در کودکی از پیچیدگی و در عین حال، آسانی خاصی برخوردار است. آسانی آن به این سبب است که کودک در این دوران، آمادگی بالایی برای پذیرش اطلاعات دارد و راحت‌تر از دیگر سنین می‌تواند به هویت واقعی و مطلوب خود نزد خویش و جامعه دست یابد. پیچیدگی موضوع نیز ازاین‌رو است که کودک برای فهم و درک موقعیت هویتی خود، نیازمند یاری و حمایت افرادی همچون مربیان و خانواده است و انتقال این مفاهیم به کودک به دقت و توجه ویژه‌ای نیاز دارد.

اهمیت این موضوع به حدی است که قانون‌گذاران بین‌المللی در اسناد حقوقی خود، رشد و بالندگی کودکان و نقش والدین و مربیان در این زمینه را از مهم‌ترین وظایف دانسته‌اند. ماده‌ی ۱۸ کنوانسیون حقوق کودک دراین‌باره مقرر می‌دارد: «کشورهای طرف کنوانسیون باید تمام تلاش خود را برای به رسمیت شناختن اصل مسئولیت مشترک پدر و مادر در رشد و پیشرفت کودک به عمل آورند. والدین یا قیم قانونی مسئولیت عمده‌ی رشد و پیشرفت کودک را بر عهده دارند و حفظ

منافع عالیه‌ی کودک اساسی‌ترین موضوع است.»

میزان نقش آموزه‌های اسلامی، به‌ویژه آیات قرآن کریم، در هویت‌بخشی و تبیین حقوق کودکان بر هویت مهم‌ترین پرسشی است که هر پژوهشگری را به تحقیق و پاسخ‌گویی وادار می‌کند. بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد، متون اسلامی و به‌ویژه آیات قرآن و روایات اهل‌بیت(ع)، همواره به‌عنوان چراغ راه در حمایت از حق کودک بر هویت، توصیه‌ها و راهکارهای ارزشمندی ارائه داده‌اند که نمونه‌های مشابه آن را شاید حتی در مترقی‌ترین اسناد حقوق بشری نتوان یافت.

۲- پیشینه‌ی موضوع

درباره‌ی حق کودک بر هویت تاکنون تحقیقات متعددی صورت گرفته است؛ ازجمله لیلاسادات اسدی در مقاله‌ی «حق کودک بر هویت» و محدثه معینی‌فر در مقاله‌ی «بررسی حق کودک بر هویت در اسلام و اسناد بین‌المللی»؛ اما آنچه می‌تواند این مقاله را نسبت به تحقیقات پیشین متمایز نماید، در وهله‌ی نخست تمرکز بر بررسی موضوع از دیدگاه آیات و روایات است و در وهله‌ی بعد، این پژوهش سعی دارد، نگاه تربیتی قرآن و روایات درباره‌ی حق کودکان بر هویت را بررسی کند، ضمن اینکه به بررسی تأثیرات رفتارهای موافق با قرآن و سنت در هویت‌بخشی به کودکان نیز پرداخته‌شده است؛ همچنین استفاده از روش تطبیقی و بررسی حقوقی موضوع خود می‌تواند گامی نوین در نگارش تحقیق به‌شمار آید.

۳- مفهوم هویت

واژه‌ی «هویت» (Identity) از نظر لغوی، به معنای «وجود، ماهیت، هستی و سرشت» است که در لغت عرب از ماده‌ی «هو» اقتباس شده است. در تعریف این واژه برخی نوشته‌اند: «حَقیقَه الشَیءِ أوِ الشَخصِ الَّتی تُمَیِّزَه عَن غَیره (ابراهیم، ۱۹۸۹، ج ۲، ص ۲ ۹۹۸؛ المنجد فی اللغه العربیه المعاصره، ۲۰۰۰، ص ۱۴۹۳)؛ هویت به معنای حقیقت شیء یا شخص است که به‌واسطه‌ی آن از غیرِ خودش متمایز می‌شود.» لغت‌شناسان فارس‌زبان در تعریف این واژه می‌گویند، هویت به نهایت و غایت یک امر و کمال مطلقِ یک چیز دلالت دارد (معین، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۵۲۲۸؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۵، ص ۲۳۵۹۶). هویت مجموعه معانی است که چگونه بودن را درباره‌ی نقش‌های اجتماعی به فرد القا می‌کند و یا وضعیتی است که به فرد می‌گوید او کیست و مجموعه معانی را برای فرد تولید می‌کند که مرجع کیستی او را تشکیل می‌دهند (خانیکی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۷). در حقیقت، هویت چیزی است که باعث تمیز و تشخیص افراد و گروه‌های مختلف از یکدیگر می‌شود؛ بدین مفهوم که افراد در شناساندن خود به دیگران از معرفی مشخصه‌های ثابتی بهره می‌گیرند و آن مشخصات را به‌عنوان وجوه ممیزه‌ی خود از دیگران در نظر می‌گیرند (ایمان و کیذقان، ۱۳۸۳، ص ۸۱ و ۸۲).

شاید بهترین توصیفی که درباره‌ی مفهوم هویت می‌توان ارائه کرد، مبهم و مجادله برانگیز بودن این واژه است (نظری، ۱۳۸۷، ص ۹)؛ چه آنکه هریک از صاحبان اندیشه در حوزه‌های مختلف

علـوم اجتماعـی و انسـانی بـا توجـه بـه قالب‌هـای روش‌شـناختی متفاوتـی کـه وجـود دارد، از دیدگاهـی خـاص بـدان نـگاه می‌کننـد و هرکـدام یکـی از وجـوه هویـت را در ابعـاد مختلـف فـردی، گروهـی، طبقاتی، ملـی، فراملـی و... بررسـی می‌کننـد. هویـت نوعـی معنـاداری در دو سـطح فـردی و اجتماعـی اسـت کـه فعـالان اجتماعـی را بـه ارائـه‌ی پاسـخی مناسـب و مطلـوب بـه پرسـش‌های بنیادیـن دربـاره‌ی کیسـتی افراد وادار می‌کنـد. از دیـدگاه روان‌کاوانـه، هـر فـردی همـواره در زندگـی خـود تجاربـی کسـب می‌نمایـد و بـر ابعـاد شـخصیتی خویـش می‌افزایـد، به‌گونـه‌ای کـه افزایـش و تثبیـت ایـن ابعـاد باعـث بـه وجـود آمـدن هویـت وی می‌شـود (حاجیانـی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۳). بایـد دانسـت کـه هویـت فـردی بـدون در نظـر گرفـتن بُعـد اجتماعـی فـرد نمی‌توانـد معنایـی داشـته باشـد؛ بـه تعبیـری، هویـت هـر فـردی علی‌رغـم یگانگـی و وحـدت وی، در اجتـماع شـکل خواهـد گرفـت (نظـری، ۱۳۸۷، ص ۱۰).

در مسـئله‌ی هویـت، آدمـی درصـدد آن اسـت کـه کشـف کنـد کـه بـه کـدام قـوم، ملـت و نـژاد وابسـته اسـت؟ و خاسـتگاه اصلـی و همیشـگی وی کجاسـت؟ صاحـب کدام‌یـک از فرهنگ‌هـا و تمدن‌هـا اسـت؟ نقـش وی در توسـعه‌ی جامعـه‌ی جهانـی چیسـت؟ در حـال حـاضر، چـه جایـگاه سیاسـی-اقتصادی و فرهنگـی در جامعـه‌ی جهانـی دارد؟ و درنهایـت، ارزش‌هـا و هنجارهـای مأخـوذ از هویـت تاریخـی او تـا بـه چـه انـدازه می‌توانـد در شـکل‌گیری اهـداف اجتماعـی، سیاسـی و فرهنگـی جامعـه مؤثـر باشـد؟ (هرمیـداس باونـد، ۱۳۷۷، ص ۲۰)؛ بـه بیانـی می‌تـوان گفـت، افـراد در سـطوح مختلـف قومـی، محلـی، نـژادی، ملـی و بین‌المللـی، از وجـوه مختلـف هویتـی برخـوردار هسـتند. هریـک از ایـن وجـوه زمانـی توسـیع می‌یابنـد کـه افـراد به‌عنـوان یکـی از گروه‌هـای مختلـف اجتماعـی شـناخته شـوند. وجـوه یادشـده بـا همدیگـر در تعامـل بـه سر می‌برنـد و درمجمـوع، باعـث شـکل‌گیری هویـت افـراد می‌گردنـد.

بـا عنایـت بـه مجمـوعِ آنچـه در بیـان مفهـوم هویـت ذکـر شـد، می‌تـوان گفـت هویـت عاملـی بـرای مشـخص کـردن مشـابهت‌ها و تمایـزات افـراد اسـت. هـر انسـانی ممکـن اسـت در پـاره‌ای از وجـوه هویتـی خویـش بـا افـراد دیگـر تشـابه داشـته باشـد و در بسـیاری از وجـوه، متمایـز از دیگـران باشـد؛ بنابرایـن، در یـک جمع‌بنـدی، هویـت عبـارت از پاسـخ دقیقـی کـه هـر فـرد بـا توجـه بـه شـناختِ جامعـی کـه از خویـش دارد، نسـبت بـه «کیسـتی» و «چیسـتی» وی اسـت و پاسـخ بـه ایـن سـؤال نیـز ممکـن نخواهـد بـود، مگـر آنکـه افـراد همـه‌ی وجـوه شـخصیتی خویـش را در تقابـل بـا دیگـران شناسـایی کـرده باشـد.

۴- حق کودک بر هویت در آموزه‌های دین

اسـلام یکـی از مکاتـب پیـشرو در حـوزه‌ی حقـوق و تربیـت کـودک، به‌ویـژه در زمینـه‌ی هویت‌بخشـی اسـت. بیـش از چهـارده قـرن پیـش، شریعـت مقـدس اسـلام در میـان تعالیـم خـود، به‌صـورت نظام‌منـد بـه موضوعاتـی چـون تربیـت، حقـوق، اخـلاق، آمـوزش، اقتصـاد، فرهنـگ، بهداشـت و دیگـر جنبه‌هـای زندگـی انسـان پرداختـه اسـت؛ مسـائلی کـه امـروزه گاه به‌اشـتباه صرفـاً زاییـده‌ی علـوم مـدرن بـشری تلقـی می‌شـوند.

در مکتـب حقوقـی اسـلام، پیـش از آنکـه تزاحمـی میـان حقـوق والدیـن و فرزنـدان شـکل گیـرد، به‌صراحـت حقـوق کـودک مـورد تأکیـد قـرار گرفتـه اسـت. بـر اسـاس ایـن آموزه‌هـا، هیـچ پـدر یـا مـادری

مجـاز نیسـت مصلحـت شـخصی خـود را بـر مصلحـت فرزنـد مقـدم بـدارد. ازجملـه حقـوق بنیادینـی کـه در گفتـمان دینـی، جایـگاه ویـژه‌ای دارد؛ امـا در نظام‌هـای حقوقـی معـاصر غالبـاً مـورد غفلـت واقع‌شـده، مسـئله‌ی «هویـت» و فرینـد «هویت‌بخشـی» بـه کـودک اسـت.

هویت‌بخشـی در اندیشـه اسـلامی، از هـمان آغـاز شـکل‌گیری نطفـه آغـاز می‌شـود. والدینـی کـه تصمیـم بـه فرزنـدآوری می‌گیرنـد، موظف‌انـد بداننـد کـه فرزنـد آنـان نیازمنـد برخـورداری از هویتـی مسـتقل، انسـانی و کارآمـد اسـت. اهمیـت ایـن موضـوع تـا بدان‌جاسـت کـه تعالیـم اسـلامی بـرای هـر مرحلـه از زندگـی کـودک، به‌ویـژه در دوران کودکـی، توصیه‌هایـی تربیتـی و حقوقـی دارد کـه در ایجـاد هویتـی مبتنـی بـر کرامـت انسـانی و کمال‌جویـی، نقشـی اساسـی ایفـا می‌کنـد.

در ادامـه، بـه بررسـی مهم‌تریـن توصیه‌هـای تربیتـی و حقوقـی اسـلام در زمینـه‌ی هویت‌بخشـی بـه کـودک خواهیـم پرداخـت.

۴-۱- اقرار به نسب و سرپرستی طفل

اولیـن حقـی کـه طفـل بـر گـردن والدیـن خویـش دارد، ایـن اسـت کـه از هـمان دوران انعقـاد نطفـه، از جانـب پـدر و مـادرش صددرصـد پذیرفتـه شـود. ایـن پذیـرش به‌منزلـه‌ی اقـرار والدیـن بـه منتسـب بـودن طفـل بـه ایشـان اسـت. برخـی ایـن حـق را بـه دوران فراغـت مـادر از حمـل حوالـه داده‌انـد (بـدران، بی‌تـا، ص ۵-۶)، درحالی‌کـه نسـب و نفـی نسـب از امـوری اسـت کـه از هـمان دوران بـارداری مـادر قابـل رد و پذیـرش اسـت. پیامـبر اسـلام(ص) دراین‌بـاره می‌فرمایـد: «مـن حُقُـوقِ الوَلَـدِ عَلَـی والِـدِهِ اَن لا یَجْحَـدَ نَسَـبَهُ؛ (متقـی هنـدی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۴۷۳)؛ از حقـوق فرزنـد بـر پـدر آن اسـت کـه نسـبش را انـکار نکنـد.» از آن حـضرت در جایـی دیگـر نقل‌شـده اسـت کـه فرمـود: «... وَ اَیُّـمَا رَجُـلٍ نَفَـی نَسَـبَ وَلَـدِهِ وَ هُـوَ یَنظُـرُ اِلَیـهِ احتَجَـبَ اللـهُ عَنـهُ وَ فَضَحَـهُ عَلَـی رُؤُسِ الخَلائِـقِ مِـنَ الاَوَّلیـنَ وَ الآخِریـنَ (محـدث نـوری، بی‌تـا، ج ۱۵، ص ۴۴۰؛ احسـائی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۴۱۸)؛ هـر مـردی کـه فرزنـد خـود را انـکار نمایـد، درحالی‌کـه فرزنـد بـه او نـگاه می‌کنـد (بـه او علاقه‌منـد اسـت)، خداونـد چنیـن مـردی را از رحمـت خویـش محـروم می‌گردانـد و در قیامـت نـزد همـه‌ی آفریـدگان از اولیـن و آخریـن، رسـوایش می‌سـازد.» امـام صـادق(ع) نیـز دراین‌بـاره اندکـی گام را فراتـر نهـاده و مذمومیـت نفـی نسـب را حتـی اگـر راسـت باشـد، به‌اندازه‌ی کفـر بـه خداونـد متعـال دانسـته اسـت. ایشـان می‌فرمایـد: «کفـر باللـه مَـن تَـبرّأ مِـن نَسَـب و إن دَقَّ (کلینـی،۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۵۰)؛ هرکـس کـه از نسـبی ولـو به‌درسـتی تـبری جویـد، کفـر بـه خـدا ورزیـده اسـت.» امـام زین‌العابدیـن(ع) نیـز همسـو بـا آن می‌فرمایـد: «وَ اَمّـا حَـقُّ وَلَـدِکَ فَتَعلَـمُ اَنَّـهُ مِنـکَ وَ مُضافٌ اِلَیـکَ فِـی عاجِـلِ الدُّنیـا بِخَیـرِهِ وَ شَرِّه (ابوشـعبه حرانـی، ۱۴۰۴، ص ۲۶۳)؛ یکـی از حقـوق فرزنـد آن اسـت کـه پدر، وی را از خـود بدانـد و در آینـده‌ی زندگـی بـه خـود منتسـب کنـد، اعمالـش نیـک باشـد و یـا ناپسـند.»

عـلاوه بـر دلالات روایـی کـه دربـاره‌ی حفـظ نسـب و اعـلام آن بـه فرزنـدان تأکیـد شـده اسـت، دراین‌بـاره آیاتـی از قـرآن کریـم وجـود دارد کـه به‌صـورت التزامـی، بـر وجـوب حفـظ و اعـلام نسـب بـرای فرزنـدان دلالـت می‌کنـد. خداونـد متعـال در آیـه‌ی ۲۸۲ سـوره‌ی مبارکـه‌ی بقـره می‌فرمایـد: «**یَـا اَیُّهَـا الَّذِیـنَ اَمَنُـوا اِذَا تَدَایَنتُـم بِدَیـنٍ اِلَـی اَجَـلٍ مُّسَـمًّی فَاکتُبُـوهُ وَلیَکتُـب بینَکُـم کَاتِـبٌ بِالعَـدلِ وَ لا یَـابَ**

کاتِبٌ اَن یَکتُبَ کَمَا عَلَّمَهُ اللهُ...؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگاه به وامی تا سررسیدی معین، با یکدیگر معامله کردید، آن را بنویسید و باید نویسنده‌ای (صورت معامله را) بر اساس عدالت، میان شما بنویسد و هیچ نویسنده‌ای نباید از نوشتن خودداری کند، همان‌گونه (و به شکرانه‌ی آن) که خدا او را آموزش داده است...» آنچه از ظاهر این آیه برداشت می‌شود، احکامی است که بیشتر درباره‌ی اصول معاملات و قراردادهایی از قبیل عقد بیع، عقد قرض، عقد رهن و...؛ اما در حقیقت، اصول برداشتی از این آیه، ازجمله‌ی قواعد کلی و عام قراردادها است که از نگاه عقل، رعایت آن بر هر انسان فهمیده‌ای لازم است؛ چه آنکه به هنگام دعوا و برای رفع نزاع میان طرفین دعوا و نیز احقاق حقوق افراد، عمل به این اصول بسیار مفید خواهد بود. خداوند منان در ادامه‌ی آیه می‌فرماید: «**ذلِکُم اَقسَطُ عِندَ اللهِ وَ اَقوَمُ لِلشَّهادَةِ**؛ این در نزد خدا به عدالت نزدیک‌تر و برای شهادت قائم‌تر است.» نگارش هر موضوع مناقشه‌برانگیزی برای مستندسازیِ آن، بهترین و واضح‌ترین طریق برای برقراری عدالت است و قطعاً با عنایت به سفارش حضرت حق در این آیه بدان، ازجمله اموری است که مطلوب و محبوب ذات احدیت است. از سویی، نوع انسان نیز حسب ذات الهی خویش، این نوع از رفتار را بیشتر می‌پسندد.

آن‌گونه که پیش از این نیز گفتیم، ظاهر آیه بر مستندسازی دَین و قرض به‌وسیله‌ی کتابت و اخذ شاهد دلالت دارد؛ اما با توجه به استدلال حضرت حق در امر به نوشتن و شاهد گرفتن به این جمله، «**ذلِکُم اَقسَطُ عِندَ اللهِ وَ اَقوَمُ لِلشَّهادَةِ**» معلوم می‌گردد، در حقیقت، هر آنچه به‌واسطه‌ی چنین رفتار پیشنهادی‌ای بتوان ثبت و ضبط کرد و بدان وسیله از تضییع حقوق فردی جلوگیری نمود، نیز امری مطلوب و مورد پسند نزد خداوند منان است؛ بنابراین، حفظ نسب که پیش از این صرفاً از طریق اقرار (اعم از اقرار قولی، فعلی و ضمنی) صورت می‌گرفته است و امروزه به‌وسیله‌ی ثبت مشخصات هویتی وی در سازمان ثبت‌احوال و اخذ شناسنامه انجام می‌شود، در حقیقت، مصداقی برای اقامه‌ی قسط و عدل است؛ زیرا از این راه می‌توان نسبت از تضییع حقوق کودک جلوگیری و نسب وی را حفظ کرد و وی را از همه‌ی حقوق آتی‌ای بهره‌مند نمود که از راه نسب منتقل می‌گردد (سبزواری، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۴۷۴).

آیه‌ی ۲۳۳ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره یکی دیگر از آیاتی است که می‌تواند بر حق طفل درباره‌ی حفظ نسب وی دلالت داشته باشد. خداوند منان در آیه‌ی مزبور می‌فرماید: «**لا تُضَارَّ والِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَ لا مَولُودٌ لَّهُ بِوَلَدِهِ**؛ مادر حق ندارد به کودک ضرر برساند و پدر حق ندارد به کودک ضرر بزند.» حضانت و نگهداری و مراقبت از فرزند از طریق شیر دادن و رسیدگی کردن به او در جهت رشد فیزیکی در دوران کودکی ازجمله حقوقی است که فرزند نسبت به مادر خویش دارد؛ بنابراین، مادر نمی‌تواند با اهمال و یا عامدانه، وظایف مادرانه‌ی خود را نسبت به فرزندش ترک کند و سفارش و دستوری هم که در این آیه به‌وضوح دیده می‌شود، دلالت بر این موضوع دارد؛ زیرا ترک هریک از این رفتارهای متعارف از سوی مادر، باعث ایراد ضرر به فرزند می‌شود. از سویی، پدر نیز نسبت به فرزند خود تعهداتی دارد؛ ازجمله اینکه موظف است نفقه و مخارج مربوط به لباس و بهداشت و درمان و اموری از این قبیل را برای فرزندش فراهم کند؛ اما دقت در معنای

آیـه بیان‌کننـده‌ی آن اسـت کـه خطـاب آیـه عـام اسـت و نهـی از اضرار پـدر و مـادر را بـه مـورد خاصـی اختصـاص نـداده اسـت، بلکـه خداونـد منـان والدیـن را از نـوعِ ضرر بـه هـر شـکلی و از هـر قسـمی کـه باشـد، نسـبت بـه فرزنـدان نهـی فرمـوده اسـت. بـر اسـاس ایـن و بـا توجـه بـه اینکـه در دنیـای امـروز کـه هـر آنچـه مربـوط بـه حـق اسـت، از راه سـند و ادلـه‌ی محکـم بـه اثبـات می‌رسـد و تـا ایـن ادلـه در دسـت نباشـد، کسـی نمی‌توانـد حقـی را ولـو آنکـه به‌صـورت مسـلم از آن وی باشـد، احقـاق کنـد؛ بنابرایـن، ثبـت نسـب فرزنـدان به‌وسـیله‌ی والدیـن و اخـذ مـدارک هویتـی بـرای ایشـان ازجملـه امـوری اسـت کـه به‌صـورت التزامـی، آیـه‌ی بـالا از تـرک آن نهـی کـرده اسـت و بـر وجـوب آن دلالـت دارد (طبرسـی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۱۴).

همچنیـن در برخـی آیـات از قـرآن کریـم، بـه بهانه‌هـای متفاوت، از بشـارتِ تولـد فرزند سـخن به میان آمـده اسـت؛ بـدان علـت کـه ضمـن ابـراز موضـوع، بـه مسـلمانان یـادآوری کنـد کـه مـژده‌ی بـه دنیـا آمدن فرزنـدان و شـادباش گفـتن بـه صاحبـان فرزنـد بـه هنـگام تولـد آنـان، در حـد فراوانـی در رشـد و تحکیـم روابـط خانوادگـی و اجتماعـی تأثیرگـذار اسـت و از سـویی، بیان‌کننـده‌ی مقـام و ارزش والای فرزنـدان نـزد خداونـد منـان اسـت؛ به‌عنوان‌مثـال، خداونـد متعـال در آیـه‌ی ۳۹ سـوره‌ی مبارکـه‌ی آل‌عمـران می‌فرمایـد: «**فَنَادَتْـهُ الْمَلَائِکـةُ وَهُـوَ قَائِـمٌ یصَلِّـی فِـی الْمِحْـرَابِ أَنَّ اللَّـهَ یبَشِّرُک بِیحْیـی**؛ پـس فرشـتگان زکریـا را نـدا کردنـد، هنگامی‌کـه در محـراب عبـادت بـه نمـاز ایسـتاده بـود کـه همانـا خـدا تـو را بشـارت می‌دهـد بـه (ولادت) یحیـی...»؛ همچنیـن در آیـه‌ی هفتـم سـوره‌ی مبارکـه‌ی مریـم می‌فرمایـد: «**یـا زَکریـا إِنَّـا نُبَشِّرُک بِغُـلَامٍ اسْـمُهُ یحْیـیٰ لَـمْ نَجْعَـلْ لَـهُ مِـنْ قَبْـلُ سَـمِیا**؛ ای زکریـا! همانـا تـو را بـه فرزنـدی کـه نامـش یحیـی اسـت و از ایـن پیـش همنـام و هماننـدش (در تقـوا) نیافریدیـم، بشـارت می‌دهیـم.»

سـیره‌ی معروفـی کـه قـرآن کریـم در آیاتـی از ایـن دسـت بـه مـا منتقـل کـرده اسـت و مـا را بـه رعایت آن دلالـت می‌کنـد، وجـود اسـتحباب در امـر بشـارت و مـژده‌ی ولادت فرزنـد بـه والدیـن و خویشـان نزدیک اسـت. ایـن عمـل ضمنـی نشـان می‌دهـد کـه افـراد جامعـه‌ی دینـی بـا انجـام چنیـن رفتارهایـی، انتسـاب فرزنـد تـازه متولدشـده بـه پـدر را بـه رسـمیت می‌شناسـند و بـرای عضـو جدیـد جامعـه‌ی اسـلامی آرزوی آینـده‌ای پربرکـت می‌کننـد. به‌هرحـال، انـکار فرزنـد بـه هـر بهانـه‌ای، از نـگاه شـارع مقـدس امـری مذمـوم و نکوهیـده اسـت؛ ازایـن‌رو، در نگاره‌هـای فقهـی، مسـئله‌ی انـکار و اثبـات نسـب یکـی از موضوعـات بسـیار جـدی و مـورد اهتـمام فقهاسـت.

حـق نگهـداری و حضانـت اطفـال یکـی دیگـر از حقوقـی اسـت کـه بـرای هویت‌بخشـی بـه کـودک مطـرح می‌شـود. حضانـت به‌عنـوان یکـی از مهم‌تریـن نهادهـای حقوقـی تأثیرگـذار در تربیـت و رشـد فرزنـدان، در فقـه و بیشـتر نظام‌هـای حقوقـی جهـان بـه رسـمیت شناخته‌شـده اسـت. یکـی از کامل‌تریـن تعاریـف حضانـت چنیـن بیـان می‌شـود: «ولایـت و سـلطنت بـر اشـخاص محجـور ماننـد مجنـون و طفـل صغیـر، حفـظ، نگهـداری و مراقبـت از او شـامل شستشـو، لبـاس پوشـاندن، خوابانـدن در تخـت، طهـارت و پاک‌سـازی از نجاسـات، معطـر سـاختن، شـیر دادن و...» (شـهید ثانـی، ۱۳۸۷، ج ۱۰، ص ۱۷۶)؛ بنابرایـن، هـر یـک از والدیـن بایـد نهایـت توجـه و دقـت را در تربیـت و نگهـداری فرزنـد خـود مبـذول دارنـد.

قانون‌گـذار در مـاده‌ی ۱۱۷۲ قانـون مدنـی مقـرر داشـته اسـت: «هیچ‌یـک از ابویـن حـق ندارنـد در

مدتی که حضانت طفل به عهده آنان است، از نگهداری او امتناع کنند. در صورت امتناع یکی از ابوین، حاکم به درخواست دیگری یا قیم، اقربا یا مدعی‌العموم موظف است نگهداری طفل را به هریک از ابوین که حضانت به عهده اوست، الزام کند و اگر الزام ممکن یا مؤثر نباشد، حضانت را به خرج پدر و در صورت فوت وی به خرج مادر تأمین نماید.» این ماده بیان‌کننده‌ی اهمیت بسیار بالای حضانت است که قانون‌گذار حاضر نشده است، این مسئولیت خطیر را به هر کسی بسپارد، حتی اگر آن فرد والدین کودک باشد. بر اساس همین، برای نگهداری و حضانت شرایطی تعیین‌شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: سلامت جسمانی و روانی سرپرست، داشتن صلاحیت اخلاقی برای تربیت کودک، بلوغ، عقل و اسلام (نجفی، ۱۴۰۴، ص ۲۸۷).

همچنین ماده‌ی ۱۱۷۳ قانون مدنی مقرر داشته است: «هرگاه به علت عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، سلامت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه به درخواست اقربای طفل، قیم او یا رئیس حوزه‌ی قضایی، هر تصمیمی را که برای حضانت مقتضی بداند، اتخاذ خواهد کرد.»

موارد زیر از مصادیق مواظبت نکردن و انحطاط اخلاقی هریک از والدین به‌شمار می‌روند: ۱. اعتیاد زیان‌آور به الکل، مواد مخدر و قمار؛ ۲. اشتهار به فساد اخلاقی و فحشا؛ ۳. ابتلا به بیماری‌های روانی با تشخیص پزشکی قانونی؛ ۴. سوءاستفاده از طفل یا اجبار وی به مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد، فحشا، تکدی‌گری و قاچاق؛ ۵. تکرار ضرب‌وجرح خارج از حد متعارف.

اهتمام فوق‌العاده‌ی فقه و قوانین موضوعه نسبت به نهاد حضانت، بیان‌کننده‌ی درجه‌ی اهمیت و ضرورت این مسئله به‌مثابه‌ی یکی از مهم‌ترین حقوق اطفال بر والدین است که هرگز در هیچ جامعه‌ای، ولو آنکه آن جامعه غیراسلامی باشد، قابل اغماض نیست.

۲-۴- حق تسمیه

حق داشتن نام یکی از ابتدایی‌ترین حقوق کودک است که از بدو تولد به او تعلق می‌گیرد. اهمیت این موضوع از آن‌روست که نام افراد در بسیاری از ابعاد زندگی نقش مؤثر و گاه تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند. با وجود این جایگاه، نام‌گذاری مناسب گاهی از سوی برخی افراد جامعه، حتی در میان اقشار تحصیل‌کرده، مورد غفلت واقع می‌شود.

بیشترین تأثیر نام در شکل‌گیری شخصیت فرد نمایان می‌گردد. درواقع، یکی از نخستین اقدامات والدین در فرایند هویت‌بخشی به فرزندان، انتخاب نام یا همان «تسمیه» است. در روابط بین‌فردی، چه رسمی و حرفه‌ای و چه دوستانه، نخستین گام برای شناخت و تداوم ارتباط پرسش از نام طرف مقابل است. در همین لحظه، بازتاب اجتماعی نام فرد آغاز می‌شود و این اثرگذاری تا پایان عمر ادامه دارد. نام، همانند لباسی است که از لحظه‌ی تولد تا واپسین روز زندگی بر تن انسان باقی می‌ماند؛ ازاین‌رو، نام می‌تواند برای صاحب آن مایه‌ی افتخار و عزت یا موجب سرافکندگی و انزوا گردد.

گاهی یک نام خوش‌آهنگ و جذاب ناخواسته موجب برجسته شدن فرد در میان جمع و جلب‌توجه

بیشتر دیگران می‌شود. در مقابل، برخی نام‌ها ممکن است به تحقیر و تضعیف موقعیت اجتماعی فرد بینجامند. شواهد جامعه‌شناختی نیز بر این واقعیت صحه می‌گذارد. مطالعاتی نشان داده‌اند که میان نوع نام افراد و بروز برخی ناهنجاری‌های اجتماعی و حتی گرایش به رفتارهای بزهکارانه، رابطه‌ای معنادار وجود دارد. بر اساس یافته‌های این پژوهش‌ها، نام کوچک کودک می‌تواند فشارهای محیطی، قضاوت‌های زودهنگام و تفاوت در فرصت‌های موفقیت، به‌ویژه در موقعیت‌هایی همچون مصاحبه‌های شغلی، بر او تحمیل کند (Ellis & Beechley, 1954, p.337, 339).

دین مبین اسلامیکی از مکاتبی است که برای نخستین بار، به مقوله‌ی نام‌گذاری در قالب یک مسئله‌ی مهم تربیتی و هویت‌بخش نگریسته است. قرآن کریم در آیه‌ی مبارکه‌ی ۱۱ سوره‌ی حجرات می‌فرماید: «**یا أَیهَا الَّذینَ آمَنُوا لا یسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسی أَنْ یکونُوا خَیراً مِنْهُمْ وَ لا نِساءٌ مِنْ نِساءٍ عَسی أَنْ یکنَّ خَیراً مِنْهُنَّ وَ لا تَلْمِزُوا أَنْفُسَکمْ وَ لا تَنابَزُوا بِالْأَلْقابِ بِئْسَ الِاسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِیمانِ وَ مَنْ لَمْ یتُبْ فَأُولئِک هُمُ الظَّالِمُونَ**؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [هرگز] گروهی از مردان شما گروه دیگری را مسخره نکنند، شاید آنان از اینان بهتر باشند؛ و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند؛ و یکدیگر را مورد طعن و عیب‌جویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید. بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید؛ و آنان که توبه نکنند، ستمکارند.» آن‌گونه که از مفهوم آیه برمی‌آید، شریعت اسلام استفاده از اسامی و القاب ناپسند برای مسلمانان را نهی کرده است و به‌طور ضمنی، این رفتار را ازجمله امور بسیار ناپسند می‌داند. این نهی قطعاً برای پرهیز از تمسخر و تحقیر دیگران است؛ بنابراین، چگونه ممکن است نسبت به نام‌گذاری فرزندان به اسامی ناشایست بی‌تفاوت باشد؟ اشاره‌های ضمنی این آیه به‌طورکلی بر حرمت نام‌گذاری نامناسب برای کودکان دلالت دارد. این تأکیدات از آن نظر است که نام نقش اساسی در ایجاد هویتی مناسب و شخصیتی مطلوب برای فرزندان دارد و می‌تواند ساختار وجودی و شخصیت آنان را به‌شدت تحت تأثیر قرار دهد (انصاری، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۵۹-۲۶۷).

علاوه بر تأکید آیه یادشده نسبت به نام‌گذاری نیکو برای فرزندان، روایات فراوان دیگری دراین‌باره وجود دارد که بیان‌کننده‌ی میزان اهمیت این مسئله نزد شریعت اسلام است. پیامبر اکرم(ص) در پاسخ فردی که از حق فرزندش نسبت به وی پرسیده بود، فرمودند: «تُحسِن إسمَهُ و أدَبَهُ (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۴۴۴)؛ اسم و ادب وی را نیکو گردان.» در جایی دیگر می‌فرماید: «حَقُّ الوَلَدِ علی والِدِهِ أنْ یحَسِّنَ اسمَهُ و یحَسِّنَ مَوضِعَهُ و یحَسِّنَ أدَبَهُ (حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۱، ص ۳۸۸)؛ حقّ فرزند بر پدرش این است که نام خوب بر او بنهد و حرفه‌ی خوبی به او بیاموزد و خوب تربیتش کند.»

در جای دیگر، امام صادق(ع) از حضرت رسول(ص) نقل می‌فرماید: «حقُّ الولدِ علَی والِدِهِ ...یَستَحسِنَ إسمَهُ (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۱۱۲)؛ حق فرزند بر پدرش آن است که نام وی را نیک گرداند.»

امیرالمؤمنین علی(ع) در همین رابطه می‌فرماید: «سمّوا أولادکم قبل أن یولدوا فإن لم تدروا أذکر أم أنثی فسموهم بالأسماء آلتی تکون للذکر و الأنثی فإن أسقاطکم إذا لقوکم فی القیامة و لم

تسموهم یقول السقط لأبیه ألا سمیتنی؟ و قد سمی رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله محسنا قبل أن یولد (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص ۳۲)؛ بر فرزندانتان، پیش از آنکه زاده شوند، نام بگذارید و اگر نمی‌دانید دخترند یا پسر، آنان را به نام‌هایی که هم برای پسر است و هم برای دختر بنامید؛ زیرا فرزندان سقط‌شده‌ی شما وقتی روز قیامت با شما ملاقات کنند، درحالی‌که نام بر آنان نگذاشته‌اید، به پدر خود می‌گویند: چرا بر من نام ننهادی؟ و پیامبر خدا(ص)، محسن (فرزند سقط‌شده‌ی زهرا علیهاالسلام) را پیش از آنکه به دنیا بیاید، نام نهاد.»

امام صادق(ع) نیز می‌فرماید: «تَجِبُ للوَلَدِ علی والِدِهِ ثَلاثُ خِصالٍ: اختِیارُهُ لِوالِدَتِهِ و تَحسینُ اسمِهِ و المُبالَغَةُ فی تَأدیبِهِ (أبوشعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۲۲)؛ فرزند سه حق بر گردن پدرش دارد: مادر خوبی برایش انتخاب کند، نام نیکویی بر او بگذارد و در تربیت او بکوشد»؛ و از امام موسی کاظم(ع) نقل شده است: «أوَّلُ ما یبَرُّ الرَّجُلُ وَلَدَهُ أن یسَمِّیهُ بِاسمٍ حَسَنٍ، فَلْیحَسِّنْ أحَدُکمُ اسمَ وَلَدِهِ (حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۱، ص ۳۸۹)؛ نخستین احسانی که مرد به فرزند خود می‌کند، این است که نام نیکویی برایش انتخاب نماید؛ بنابراین، هر یک از شما نامی نیکو بر فرزندش نهد.»

اهمیت نام نیکو برای فرزندان در شریعت اسلام تا اندازه‌ای است که حتی در صورت نام‌گذاری سفارش شده است، چنانچه نامی نامناسب برای فرزندانتان انتخاب کرده‌اید، آن را تغییر دهید. امام صادق(ع) دراین‌باره می‌فرماید: «کانَ رسولُ اللّه صلی‌الله‌علیه‌وآله یغَیرُ الأسماءَ القَبیحَةَ فی الرِّجالِ و البُلدانِ (همان، ص ۳۹۰)؛ رسول خدا(ص) نام‌های زشت مردها و شهرها را تغییر می‌داد.»

پیامبر اکرم(ص) به‌عنوان بنیان‌گذار مکتب متعالی اسلام، همسو با اعمال و نیز ترویج این مقوله‌ی تربیتی، علاوه بر اینکه به گزینش اسامی نیکو سفارش می‌فرمود، حتی نسبت به تغییر برخی از اسامی اقدام می‌کردند که در تنافی با شخصیت والای انسان بود و به‌نوعی هویت فرد را مورد تعرض قرار می‌داد؛ به‌عنوان‌مثال، دراین‌باره آمده است: «اسد الغابة: ـ فی تَرجمةِ حبیبِ‌بن‌مَروانَ ـ: وَفَدَ علی النَّبی صلی الله علیه و آله فقالَ: ما اسمُک؟ فقالَ: بَغِیضٌ، فقالَ: أنتَ حَبِیبٌ. فَسَمّاهُ حَبیبا. حدیث (ابن‌اثیر، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۶۸۱؛ محمدی ری‌شهری، ۱۴۲۹، ج ۴، ص ۱۵۵)؛ اسد الغابة، در شرح‌حال حبیب‌بن‌مروان، به‌عنوان نماینده اعزامی خدمت پیامبر(ص) رسید. حضرت پرسید: نامت چیست؟ عرض کرد: بغیض. حضرت فرمود: تو حبیب هستی و بدین ترتیب، او را حبیب نام نهاد.»

با توجه به آنچه بیان شد، برخورداری از نامی نیکو و شایسته یکی از حقوق اولیه‌ی کودک است؛ موضوعی که در آموزه‌های دینی، به‌ویژه در روایات اسلامی، بارها مورد تأکید قرار گرفته است؛ اما این پرسش مطرح می‌شود: علت این میزان از توجه دین اسلام به مسئله‌ی نام‌گذاری چیست؟

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، نام هر فرد تأثیری عمیق بر وضعیت روانی و شکل‌گیری شخصیت اجتماعی او دارد. بخشی از هویت فردی و اجتماعی انسان با نام و حتی نام خانوادگی او گره خورده است. درواقع، نام می‌تواند یکی از عناصر تأثیرگذار بر تعاملات فرد با جامعه باشد. بااین‌حال، امروزه برخی افراد بدون توجه به عرف، اخلاق و پیامدهای احتمالی نام‌گذاری،

اسامی نامناسبی برای فرزندان خود انتخاب می‌کنند. این بی‌توجهی از همان مراحل ابتدایی ورود کودک به جامعه‌ی همسالان و هم‌بازی‌هایش نمود می‌یابد و در سنین بالاتر ممکن است به بحرانی در زندگی فرد تبدیل شود، به‌گونه‌ای که شخصیت اجتماعی و هویت او را دچار اختلال جدی کند.

اسلام به‌عنوان دینی که با نگاهی ژرف‌نگر به همه‌ی ابعاد زندگی انسانی می‌نگرد، نسبت به این موضوع بی‌تفاوت نبوده و در قالب روایات متعدد، توصیه‌هایی جدی درباره‌ی انتخاب نام مناسب ارائه داده و در مواردی، حتی نوعی حرمت‌انگاری درباره‌ی برخی اسامی بیان‌شده است.

ماده‌ی ۲۰ قانون ثبت‌احوال در تبصره‌ی ۱ (الحاقی ۱۸: ۱۰: ۱۳۶۳) عنوان می‌دارد: «انتخاب نام‌هایی که موجب هتک حیثیت مقدسات اسلامی می‌گردد و همچنین انتخاب عناوین و القاب و نام‌های زننده و مستهجن یا نامتناسب با جنس ممنوع است.» ماده‌ی ۳ قانون تخلفات، جرائم و مجازات‌های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه مقرر داشته است: «اشخاصی که از وظائف مقرر در مواد ۱۶، ۱۹، ۲۴ و ۲۶ و تبصره‌ی ماده ۲۶ و تبصره‌ی یک ماده‌ی ۳۶ و مواد ۳۸ و ۴۳ قانون ثبت‌احوال خودداری کنند، علاوه بر الزام به انجام تکالیف قانونی، به پرداخت جزای نقدی از ۵۰۰۰۰ ریال تا ۳۰۰۰۰۰ ریال محکوم می‌شوند و در صورت تکرار به حداکثر مجازات یادشده در این ماده محکوم خواهند شد.»

این حق در اسناد حقوقی بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است، به‌گونه‌ای که اصل سوم اعلامیه‌ی حقوق کودک تصریح می‌کند که کودک باید از بدو تولد صاحب نام و تابعیت باشد؛ همچنین کنوانسیون حقوق کودک در مواد ۷ و ۸ به‌روشنی بر این حق تأکید دارد.

۴-۳- حق دانش‌اندوزی کودکان

بدیهی است که هیچ مکتبی نمی‌تواند نگاهی انحصاری و تک‌بعدی به مسائل جامعه داشته باشد. پیشرفت یک جامعه در گرو آگاهی افراد آن است. هرچه افراد نسبت به مسائل مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... آگاهی بیشتری داشته باشند، حاکمیت در تحقق اهداف توسعه‌ای جامعه مسیر آسان‌تری خواهد داشت؛ بنابراین، مکاتب حاکم بر جوامع باید با درک این واقعیت، زمینه‌های دانش‌اندوزی و ترویج آن در میان مردم را فراهم کنند. مکتب اسلام که به‌عنوان یکی از مترقی‌ترین مکاتب جهان شناخته می‌شود، پیش از بسیاری از نظام‌های نوین، با نگاهی جامع، دانش‌اندوزی را یکی از نیازهای حیاتی مسلمانان دانسته و حتی فراتر رفته، آن را به‌عنوان حقی مسلم برای مسلمانان، به‌ویژه کودکان مطرح کرده است. با مطالعه‌ی تعالیم اسلامی به‌روشنی می‌توان دریافت که شریعت اسلام بارها نسبت به مسئله‌ی دانش‌اندوزی کودکان هشدار داده و آن را حقی بزرگ بر عهده‌ی والدین دانسته است.

انسان در کلام وحی، موجودی دوبعدی است: بُعد مادی و بعد معنوی و آنچه باعث ارزشمندی و شرافت بخشیدن به آدمی می‌شود، همان بعد معنوی وی است و به همین سبب است که خداوند منان مقام روحانی انسان را شایسته‌ی سجده‌ی سایر ملائک می‌داند: «**فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ**

فِیهِ مِنْ رُوحِی فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِینَ (حجر: ۲۹)؛ هنگامی‌که آن را نظام بخشیدم و در او از روح خود دمیدم، همگی برای او سجده کنید!» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۳۳۷).

هر یک از ابعاد وجودی انسان شامل مجموعه‌ای از استعدادها و ظرفیت‌های خاص است. استعدادهای مرتبط با ساحت مادی انسان معمولاً بدون نیاز به اراده‌ی آگاهانه فرد، روندی طبیعی در رشد و تکامل خود دارند؛ اما این بدان معنا نیست که تکامل کامل این استعدادها به تربیت نیازی ندارد. در مقابل، استعدادهای معنوی انسان برای رسیدن به رشد و شکوفایی، به آموزش، تمرین و اراده‌ی فعال نیازمندند. دوران کودکی دوره‌ای حساس و تعیین‌کننده در شکل‌گیری و رشد همه‌جانبه‌ی ابعاد وجودی انسان است و همان‌طور که اندام‌های جسمانی کودک به‌طور ناخودآگاه رشد می‌کنند، قوای معنوی و باطنی او نیز به‌تدریج و در تعامل با محیط، مسیر تکاملی خود را طی می‌نمایند (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۳۷۵).

قوای اندیشه و تفکر انسان از همان آغاز تولد، به‌طور ناخودآگاه شروع به دریافت، ضبط و پردازش داده‌ها می‌کند. نگاه‌های کنجکاوانه‌ی کودک و تلاش او برای لمس و چنگ زدن به اشیا نشان‌دهنده‌ی آغاز فعالیت ذهنی و تلاش معنوی او در پاسخ به پرسش‌های بنیادینی است که به‌طور طبیعی در ذهنش شکل می‌گیرد؛ ازاین‌رو، در علومی مانند روان‌شناسی که با ساحت‌های درونی و معنوی انسان در ارتباط‌اند، دوران کودکی به‌عنوان بهترین بازه زمانی برای فراگیری مفاهیم دشوار مانند یادگیری هم‌زمان چند زبان معرفی‌شده است. نمونه‌های عینی این واقعیت را می‌توان در کودکانی مشاهده کرد که در سنین چهار یا پنج‌سالگی موفق به حفظ کامل قرآن همراه با جزئیاتی نظیر شماره‌ی صفحه، سطر و حتی تعداد کلمات شده‌اند؛ امری که حکایت از ظرفیت شگرف ذهن کودک در این دوره دارد.

پیامبر گرامی اسلام(ص) درباره‌ی اهمیت علم‌آموزی در دوران کودکی می‌فرماید: «مَثَل الَّذی یَتَعَلَّمُ فِی صِّغَره کالنَّقشُ فِی الحَجَرِ (متقی هندی؛ ۱۴۰۱، ج ۱۰، ص ۲۴۹))؛ حکایت کسی که در کودکی می‌آموزد، همانند نقش کندن بر سنگ است.» امام علی(ع) نیز دراین‌باره فرموده‌اند: «العِلمُ فِی الصِّغَر کالنَّقشُ فِی الحَجَرِ (کراجکی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۱۹)؛ علم در دوران کودکی همچون نقش بر سنگ، ماندنی است.» امام(ع) در جای دیگر فرموده‌اند: «مَن لَم یتَعَلَّم فِی الصِّغَرِ لَم یتَقَدَّم فِی الکبَرِ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶۴۹)؛ کسی که در کودکی نیاموزد، در بزرگ‌سالی پیش نمی‌افتد.»

دراین‌باره تأکیدات فراوان دیگری از جانب شریعت اسلام وجود دارد (مجلسی،۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۱۴؛ نوری، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۱۶۶؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۶۳، ج ۲۰، ص ۳۳۳؛ حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۱، ص ۴۸۲)؛ که خود دلیلی روشن بر اهمیت حق تعلیم و آموزش برای کودک است، به‌ویژه اینکه به علت موقعیت سنی و حالات خاص روانی و نیز خصوصیات ویژه‌ای که برای اطفال از دیدگاه‌های گوناگون مادی و معنوی ایجاد گردیده است، اهمیت موضوع چند برابر می‌شود.

قانون‌گذار در ماده‌ی ۴ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان ایرانی مصوب سال ۱۳۵۳ مقرر می‌دارد: «هریک از پدر یا مادر یا سرپرست قانونی کودک و نوجوان کمتر از

هیجده سال که قانوناً مسئول پرداخت مخارج زندگی او است و با داشتن امکانات مالی از تهیه‌ی وسایل و موجبات تحصیل کودک یا نوجوان واجد شرایط تحصیل مشمول این قانون در محلی که موجبات تحصیل دوره‌های مربوط از طرف وزارت آموزش‌وپرورش فراهم‌شده باشد، امتناع کند یا به نحوی از انحاء از تحصیل او جلوگیری نماید، به حکم مراجع قضائی که خارج از نوبت رسیدگی می‌کنند، به جزای نقدی از ده هزار ریال تا دویست هزار ریال و به انجام تکالیف فوق نسبت به کودک یا نوجوان محکوم خواهد شد. هرگاه پس از ابلاغ حکم پدر یا مادر یا سرپرست به تکلیف مقرر در حکم دادگاه اقدام ننماید یا پس از اجرای حکم مجدداً کودک یا نوجوان را از تحصیل بازدارد، به حبس جنحه‌ای از یک تا سه سال و تأمین هزینه معاش و تحصیل کودک یا نوجوان خود محکوم خواهد شد...» همان‌طور که از نص ماده برداشت می‌شود، قانون علاوه بر آنکه حق علم‌اندوزی را برای کودکان معتبر دانسته و والدین را مکلف به تحقق این موضوع دانسته است، برای مخالفت با این موضوع، ضمانت اجرای نقدی و حتی بالاتر از آن، حبس قائل شده است.

سازمان‌های مهم بین‌المللی مانند سازمان ملل، برای حمایت از حق تحصیل کودکان در ماده‌ی ۲۶ اعلامیه‌ی حقوق بشر حق، برخورداری از آموزش رایگان را یکی از مهم‌ترین حقوق اشخاص تلقی کرده است. در اصل ۷ اعلامیه‌ی حقوق کودک نیز نسبت به حق کودکان به بهره‌مندی از آموزش رایگان و اجباری در مدارج ابتدایی و فراگیری آموزشی برای ارتقای توانایی‌ها و مسئولیت آنان تصریح‌شده است. کنوانسیون حقوق کودک نیز در ماده‌ی ۲۸ حق کودک در حوزه آموزش‌وپرورش را به رسمیت شناخته است.

۴-۴- حق حفظ کرامت انسانی اطفال

یکی دیگر از حقوق مسلم کودک که نقش بسیار سازنده‌ای در شکل‌گیری هویت متعالی وی دارد، حق بر حفظ کرامت انسانی و تکریم شخصیت اوست؛ موضوعی که به سبب ارتباط تنگاتنگ و مستقیم با نیازهای روحی و روانی کودک، از مهم‌ترین حقوق حیاتی اطفال به‌شمار می‌آید. واضح است که یکی از علل اصلی شکل‌گیری عقده‌های روانی در افراد، رعایت نکردن احترام و پایمال شدن کرامت آنان از سوی دیگران است و حفظ حرمت کودکان از بهترین راهکارها برای پیشگیری از چنین آسیب‌های روانی به‌شمار می‌رود (وزیری، ۱۳۸۳، ص ۲۳۴). کودکانی که از همان دوران کودکی مورد تکریم شخصیت خود قرار می‌گیرند، می‌توانند به شکلی ویژه به خودباوری و عزت‌نفس دست یابند و درنتیجه، در ایجاد ارتباط مثبت و سازنده با دیگران موفق‌تر عمل کنند.

شریعت مقدس اسلام، به‌عنوان یکی از مترقی‌ترین مکاتب فرهنگی، با نگرشی ویژه که در مبانی جامعه‌شناختی و روان‌شناختی ریشه دارد، احترام به کرامت ذاتی کودکان را به زیباترین شکل ممکن و در قالب توصیه‌های عملی و شفاهی مورد تأکید قرار داده است.

مسئله‌ی تکریم شخصیت انسان در بسیاری از آیات قرآن کریم صراحتاً و نیز تلویحاً مورد تأکید حق تعالی قرار گرفته است؛ به‌عنوان نمونه، «**وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِ**ل (اسراء:۷۰)؛ ما فرزندان آدم را کرامت

بخشیدیم و بر دریا و خشکی سوار کردیم و از چیزهای خوش و پاکیزه روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش برتریشان بخشیدیم»؛ و «**وَقُل لِّعِبَادِي يقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...** (همان: ۵۳)؛ و به بندگان من بگو که با یکدیگر به بهترین وجه سخن بگویند.» در این آیات، خداوند متعال صراحتاً بیان می‌دارد که آدمی کرامتی دارد که از جانب خالق نصیب وی شده است و همین امر خود دلیلی روشن بر این موضوع است که هیچ‌کس حق پایمال کردن این نوع از کرامت را ندارد، ولو آنکه آن فرد پدر یا مادر یک کودک باشند.

قرآن کریم به‌عنوان امّ‌الکتب و امّ‌القوانین شریعت اسلام، مملو از دستورهایی است که ما را به کرامت ذاتی انسان دلالت می‌دهد و جایگاه والای انسان در نزد پروردگار را برای ما روشن می‌سازد (همان:۷۰، ۵۳ و ۳۰؛ بقره: ۲۹، ۳۰ و ۸۳؛ تغابن: ۳؛ تین: ۴؛ مؤمنون: ۱۴؛ ص: ۷۲؛ روم: ۳۰؛ احزاب: ۷۲) و همین امر بهترین دلیل بر لزوم حفظ کرامت انسان و به ویژه کودکان با توجه به حساسیت‌های خاص سنی و روانی آنان است.

احترام به شخصیت فرزندان نزد معصومین(ع) نیز همواره ازجمله امور مورد تأکید بوده است. رسول اکرم(ص) دراین‌باره می‌فرماید: «أَكرِمُوا أَوْلَادَكمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُم (احسائی؛ ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۵۴)؛ به فرزندانتان احترام بگذارید و آداب آنان را نیکو گردانید.» آن حضرت(ص) این موضوع را حتی در رفتار خود نسبت به کودکانی که با آنان در ارتباط بود، رعایت می‌کردند. امام علی(ع) می‌فرماید: «وَ قَدْ عَلِمْتُمْ مَوْضِعِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ(ص) بِالْقَرَابَةِ الْقَرِيبَةِ وَ الْمَنْزِلَةِ الْخَصِيصَةِ، وَضَعَنِي فِي [حَجْرِهِ] حِجْرِهِ وَ أَنَا وَلَدٌ [وَلِيدٌ] يَضُمُّنِي إِلَى صَدْرِهِ وَ يَكْنُفُنِي فِي فِرَاشِهِ وَ يُمِسُّنِي جَسَدَهُ وَ يُشِمُّنِي عَرْفَهُ وَ كَانَ يَمْضَغُ الشَّيْءَ ثُمَّ يُلْقِمُنِيهِ، وَ مَا وَجَدَ لِي كَذْبَةً فِي قَوْلٍ وَ لَا خَطْلَةً فِي فِعْلٍ (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۲۹)؛ شما موقعیت من را نسبت به پیامبر خدا(ص) در خویشاوندی نزدیک، در مقام و منزلت ویژه می‌دانید. پیامبر(ص) من را در اتاق خویش می‌نشاند. درحالی‌که طفل بودم من را در بغل می‌گرفت و در رختخواب خویش می‌خوابانید، بدنش را به بدن من می‌چسباند و بوی پاک خود را به من می‌بویانید و گاهی غذا را لقمه‌لقمه می‌کرد و در دهانم می‌گذاشت. هرگز دروغی در کلام من و اشتباهی در عمل من نیافت.»

یکی از مصادیق بارز تکریم شخصیت فرزندان سلام کردن به آنان است. چه بسیار دیده می‌شود که بزرگسالان در مراودات خود کودکان را نادیده می‌گیرند و حتی از سلام گفتنی ساده نیز آنان را محروم می‌کنند. شاید هر شخص بزرگسالی با رجعتی به دوران خردسالی خود، به این مهم اعتراف کند که چنین برخوردهای نامناسبی تا چه اندازه بر روح و روان وی و تضعیف شخصیتش تأثیر منفی بر جای گذاشته است؛ تا جایی که آن امر را تا دوران بزرگسالی خویش به همراه دارد. رسول اکرم(ص) می‌فرماید: «خَمْسٌ لَا أَدَعُهُنَّ حَتَّى... وَ التَّسْلِيمُ عَلَى الصِّبْيَانِ لِيكُونَ سُنَّةً مِنْ بَعْدِي (صدوق؛ ۱۳۶۲؛ ص ۷۱)؛ پنج چیز است که تا زمان مرگ آن‌ها را ترک نخواهم کرد... و سلام کردن به کودکان تا اینکه پس از من تبدیل به یک سنت نیکو گردد.»

یکی دیگر از رفتارهای تکریمی والدین نسبت به فرزندان که چهره‌ی عملی دارد، بوسیدن ایشان است. در حقیقت، کودکان در سنین خردسالی ابراز محبت اطرافیان و به‌ویژه والدین خود را

بیش از هر عمل دیگری از راه بوسیدن درک می‌کنند. این نوع از رفتار علاوه بر آنکه باعث ایجاد احساسی خوشایند برای پدر و مادر می‌شود، باعث ایجاد عزت‌نفس در کودکان می‌گردد (حاج شریفی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۶؛ قائمی، ۱۳۷۰، ص ۱۴۴-۱۴۹) و بر اساس همین، در روایات بسیار نسبت به آن توصیه‌شده است. پیامبر اکرم(ص) دراین‌باره می‌فرمایند: «مَنْ قَبَّلَ وَلَدَهُ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ حَسَنَةً (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۴۹)؛ هر کس فرزند خود را ببوسد، خداوند برای او یک حسنه می‌نویسد»؛ و یا «القَبّله حَسنَه و الحَسنَه عَشره (متقی هندی، ۱۴۰۱، ج ۱۶، ص ۴۴۵)؛ بوسیدن فرزند حسنه است و پاداش هر حسنه ده برابر است.» در روایت دیگری با اشاره به پاداش فراوان اخروی بوسیدن فرزندان می‌فرمایند: «أَكْثِرُوا مِنْ قُبْلَةِ أَوْلَادِكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ مَسِيرَةَ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۶۹)؛ فرزندان خود را بسیار ببوسید؛ زیرا برای هر بوسه‌ای درجه‌ای در بهشت است و فاصله‌ی میان دو درجه پانصد سال است.»

قانون‌گذار در فصل سوم قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، از ماده‌ی ۷ الی ۲۸ همه‌ی مجازات‌های مربوط به جرائمی را تبیین کرده است که درباره‌ی حقوق مندرج در آن قانون برای کودکان و نوجوانان تبیین شده است و درواقع، هریک از آن‌ها را می‌توان به‌مثابه ضایع کردن کرامت انسانی کودک به‌شمار آورد که ذکر هرکدام از آن‌ها از مجال این مقوله خارج است.

با نگاهی به اسناد معتبر حقوقی در عرصه‌ی بین‌الملل همچون اعلامیه‌ی حقوق کودک و پیمان‌نامه‌ی بین‌المللی حقوق کودک می‌توان به‌وضوح اهمیت حفظ کرامت کودکان را در هریک از مواد قانونی آن مشاهده کرد و در حقیقت، باید گفت، هدف اصلی و بنیادی از تصویب این قبیل از اسناد همان حفظ کرامت انسانی افرادی است که به‌عنوان جامعه‌ی هدف مورد توجه قرار گرفته است.

۴-۵- رعایت عدالت میان فرزندان

گاه دیده می‌شود، والدینی که صاحب چند فرزند هستند، به علل مختلفی، در نوع برخورد با فرزندان خود تفاوت قائل می‌شوند؛ به‌عنوان‌مثال، ممکن است یکی از فرزندان به سبب داشتن اخلاقی بهتر و یا به علت داشتن موقعیت مناسب‌تر تحصیلی نسبت به دیگر فرزندان و یا هر علت دیگری که مطلوب والدین باشد، نزد ایشان از محبوبیت بیشتری برخوردار باشد؛ بنابراین، نباید این‌گونه پنداشت که تبعیض و ناعدالتیِ والدین در ارتباط با فرزندان در یک حوزه‌ی خاص است، بلکه این رفتارِ مخرب می‌تواند مصادیق گوناگونی ازجمله تبعیضِ علمی، تبعیضِ جنسیتی، تبعیضِ عاطفی، تبعیضِ مالی و مواردی از این دست داشته باشد که هریک به‌اندازه‌ای بسیار چشمگیر می‌تواند در شکل‌گیری یک هویت کاملاً بیمار و خطرناک برای کودک موثّر گردد. دین مبین اسلام در کنار سایر مکاتب و در رأس آن‌ها، مقوله‌ی رعایت عدالت میان فرزندان را مورد اهتمام خود قرار داده و همواره والدین را نسبت به عواقبِ خطرسازِ این نوع از رفتار انذار کرده است. خداوند منان در بسیاری از آیات، مقوله‌ی قسط و عدل را گوشزد نموده است تا جایی که هدف خود را از فرستادن پیامبران(ع) به‌سوی مردم، برقراری عدل و قسط در میان مردم بیان فرموده

است: «**لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...**» (حدید: ۲۵). در جایی دیگر، مسلمانان و بلکه همه‌ی جوامع بشری را صراحتاً به رعایت عدل و احسان دستور می‌دهد: «**إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ...**» (نحل: ۹۰). همان‌طور که از این آیه مشخص است، خداوند متعال در وهله‌ی اول نسبت به رعایت عدل امر فرموده است و پس از آن، مقوله‌ی احسان را مورد تأکید قرار داده است و این خود علت روشنی بر اولویت و اهمیت والای عدالت نسبت به سایر رفتارهای نیکو دارد. با در کنار گذاشتن دو لفظ «قسط» و «عدل» و اینکه حق تعالی «قسط» را بیش از همه، به‌عنوان یکی از وظایف پیغمبران دانسته و از سویی «عدل» را برای عامه‌ی مردم استعمال کرده است، می‌توان چنین برداشت نمود که اعمال قسط ازجمله رفتارهایی است که عوام‌الناس عموماً توانایی رعایت آن را ندارند، به‌گونه‌ای که هم تشخیص آنکه حق از آنچه کسی است و به چه شکل است، بسیار سخت است و از سویی، در صورت معرفت به آن، برقراری و رعایت آن بسی سخت‌تر است؛ اما عدالت در حقیقت گونه‌ای از اعتدال و میانه‌روی در امور است؛ بنابراین، انجام آن راحت‌تر است. اگرچه این تعبیر نمی‌تواند مانع از آن شود که چنانچه شخصی قادر به رعایت همه‌جانبه‌ی قسط باشد، معاف از آن گردد.

روایات بسیاری نیز به‌صورت خاص به مسئله‌ی حاضر پرداخته‌اند. پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرماید: «اعْدِلُوا بَينَ أَوْلَادِكمْ فِی السِّرِّ كمَا تُحِبُّونَ أَنْ يعْدِلُوا بَينَكمْ فِی الْبِرِّ وَ اللُّطْف (طبرسی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۲۰)؛ در کار بخشش با فرزندان خود به عدالت رفتار کنید، همچنان که می‌خواهید فرزندانتان در نیکی و محبت با شما به عدالت رفتار کنند.»

احادیث فراوان دیگری از حضرت پیغمبر(ص) موجود است که در آن‌ها نسبت به رعایت عدالت میان فرزندان سفارش فرموده است. نمونه‌هایی از این احادیث به شرح ذیل است: «إنّ لَهُم علَیک مِن الحَقِّ أن تَعدِلَ بَینَهُم، کما أنَّ لک علَیهِم مِن الحَقِّ أن یبَرُّوک (طبرانی، بی‌تا، ج ۲۴، ص ۳۳۸)؛ حق آنان (فرزندانت) بر تو این است که میانشان به عدالت رفتار کنی، چنان‌که حق تو بر آنان این است که از تو اطاعت کنند»؛ «اِتَّقُوا اللّهَ و اعدِلوا بَینَ أولادِکم کما تُحِبُّونَ أن یبَرُّوکم (همان، ج ۲۱، ص ۸۰)؛ از خدا بترسید و میان فرزندانتان به عدالت رفتار کنید، همچنان که شما نیز دوست دارید آنان اطاعت و احترامتان کنند»؛ «إنّ اللّهَ تعالی یحِبُّ أن تَعدِلوا بَینَ أولادِکم حتّی فی القُبَلِ (محمدی ری‌شهری، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۴۸۶)؛ خداوند متعال دوست دارد که میان فرزندان خود یکسان عمل کنید، حتی در بوسیدن آنان.»

در بینش اسلامی، کودک از حقوق ویژه‌ای برخوردار است که رعایت آن‌ها، به‌ویژه از سوی والدین، اهمیت بسزایی دارد. برقراری عدالت میان فرزندان بی‌تردید یکی از اساسی‌ترین حقوق کودک است که بر عهده‌ی والدین نهاده شده است. در محیطی که عدالت حاکم باشد، کودک با انگیزه و اعتماد بیشتری به تلاش و رشد ترغیب می‌شود. از سوی دیگر، کودکان ذاتاً انتظار دارند والدین در روابط خود با آنان، اصول عدالت و مساوات را رعایت کنند و محیطی عادلانه برای رشد عاطفی و روانی آنان فراهم آورند. درواقع، رفتار عادلانه یکی از مؤثرترین ابزارها برای تأمین آرامش

روحی و امنیت روانی کودکان به‌شمار می‌رود.

در نقطه‌ی مقابل، تبعیض، به هر شکل و با هر نیتی حتی اگر با هدفی نیکو یا مصلحت‌اندیشانه همراه باشد، به سبب آنکه با احساس تحقیر، طرد یا محرومیت آمیخته است، می‌تواند آثار زیان‌باری بر روان کودک بر جای گذارد. این آسیب‌ها برای کودکان به‌سبب لطافت و آسیب‌پذیری بیشتر روح آنان، عمیق‌تر و ماندگارتر خواهد بود؛ ازاین‌رو، می‌توان تبعیض را یکی از آشکارترین مصادیق بزه‌دیدگی روانی کودکان دانست. بااین‌حال، ازآنجاکه اثبات تبعیض در روابط درون‌خانوادگی دشوار است، این مسئله کمتر مورد توجه جدی قانون‌گذاران قرار گرفته است. برای آنکه میزان اهتمام قانون‌گذار ایران درباره‌ی این قسم از حقوق کودک را بهتر متوجه شد، لازم است به فصل سوم قانون حمایت از حقوق کودک و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ مادهی ۷ الی ۲۸ مراجعه کرد.

۵- نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر بیان‌کننده‌ی آن است که مسئله‌ی حق کودک بر هویت یکی از حیاتی‌ترین مسائل در حوزه‌ی علوم مختلف اجتماعی، روان‌شناسی، فقهی، حقوقی و... است که لازم است در وهله‌ی اول، از سوی والدین و متربیان مورد اهتمام جدی قرار بگیرد. همه‌ی آرای علمی که امروزه در لابه‌لای محافل و پژوهش‌های علمی درباره‌ی حق کودک بر هویت به جوامع عرضه می‌گردد، ۱۴۰۰ سال پیش، به بهترین شکل ممکن به‌وسیله‌ی آموزه‌های اسلامی پیشنهادشده است، آن‌گونه که در این مقوله هم اشاره گردید، بسیاری از اسناد بالادستی حقوقی در سطوح مختلف ملی و بین‌المللی قائل به مضامینی هستند که پیش از آن‌ها، در تعالیم اسلامی مورد مداقه‌ی شارع مقدس قرار گرفته است. در این میان، آنچه بیش از هر چیز دیگر به هویت‌بخشی کودکان کمک می‌کند، موارد پنج‌گانه‌ای بود که در این پژوهش ارزیابی دقیق شد؛ اما مهم‌تر از هر چیز تأثیر بسزایی است که مقوله‌ی هویت‌بخشی بر روی کودکان دارد؛ چه آنکه کودکی که واجد یک هویت مثبت و قوی باشد، قطعاً آینده‌ای بسیار نویدبخش برای خود و جامعه دارد و در مقابل، چنان‌که هویت یک کودک از وی گرفته شود و وی را با نوعی از بی‌هویتی روبرو کنیم، چنین فردی که خود را بدون هرگونه تعلق مثبت به خانواده و جامعه می‌بیند، برای آنان ارزش قائل نخواهد شد و تبدیل به موجودی خطرناک و یا دست‌کم صرفاً مصرف‌کننده خواهد شد و کمتر جامعه‌ای به حضور چنین افرادی در درونش تمایل دارد. با عنایت به آنچه ذکر گردید، به‌نظر می‌رسد، والدین و مربیان با مطالعه‌ی دقیق آموزه‌های دینی در این حوزه، آگاهی خود را نسبت به تأثیرات هویت‌بخشی مثبت به فرزندان و متربیان بالا می‌برند و از سویی، نظام آموزشی لازم است این قبیل از تعلیمات را به‌مثابه فنون مهم تربیتی در سرلوحه‌ی اهداف خود قرار بدهند و حتّی پیشنهاد می‌شود که همسو با آن، نسبت به نگارش کتاب‌هایی مبادرت کنند تا در دانشگاه‌های فرهنگیان کشور، به‌عنوان یکی از سرفصل‌های مهم آموزشی تدریس شود.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج‌البلاغه.
- ابراهیم، مصطفی؛ معجم الوسیط؛ استانبول؛ دارالدعوه؛ ۱۹۸۹ م.
- ابن‌اثیر، ابوالحسن علی‌بن‌ابی‌الکرم؛ اسد الغابه فی معرفه الصحابه؛ بی‌جا: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
- ابن‌أبی‌الحدید، عبدالحمیدبن هبه‌الله؛ شرح نهج‌البلاغه؛ قم: کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۶۳ ش.
- ابن‌بابویه، شیخ صدوق؛ محمدبن‌علی؛ الأمالی؛ تهران: کتابخانه اسلامیه، ۱۳۶۲ ق.
- ابوشعبه حرّانی، حسن‌بن‌علی؛ تحف العقول؛ قم: موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم، ۱۴۰۴ ق.
- احسائی، ابن‌ابی‌جمهور محمدبن زین‌الدین؛ عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیه؛ قم: موسسه سیدالشهداء(ع)، ۱۴۰۳ ق.
- اسدی، لیلاسادات؛ «حق کودک بر هویت»؛ دوفصلنامه، دوره‌ی ۱۳، شماره‌ی ۴۹، ۱۳۸۷ ش.
- ایمان، محمدتقی؛ کیذقان، طاهره؛ «بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی زنان (مطالعه‌ی موردی زنان شیراز)»؛ علوم انسانی دانشگاه الزهرا(س)، سال دوازدهم و سیزدهم، شماره‌ی ۴۴ و ۴۵.
- انصاری، قدرت‌الله؛ احکام و حقوق کودکان در اسلام؛ قم: مرکز فقهی ائمه اطهار(ع)، ۱۳۹۲ ش.
- بدران، ابوالعینین؛ حقوق الأولاد فی الشریعه الاسلامیه و القانون؛ اسکندریه: مؤسسه شباب الجامعه، بی‌تا.
- تمیمی آمدی، عبدالواحدبن‌محمد؛ غررالحکم و دررالکلم؛ تحقیق و تصحیح: سید مهدی رجائی، قم: دار الکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- حاج شریفی، محمدرضا؛ حقوق فرزند بر والدین از نگاه اسلام؛ قم: سینا، ۱۳۷۴ ش.
- حاجیانی، ابراهیم؛ «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»؛ به نقل از مریم صنیع اجلال (به کوشش)، درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی؛ تهران: تمدن ایرانی، ۱۳۸۴ ش.
- حر عاملی، محمدبن‌حسن؛ وسایل الشیعه؛ قم: موسسه آل البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۶ ق.
- خانیکی، هادی؛ هویت در ایران: رویکرد سیاسی اجتماعی فرهنگی و ادبی به هویت و بحران در ایران؛ تهران: جهاد دانشگاهی، پژوهشکده علوم انسانی اجتماعی، ۱۳۸۳ ش.
- دار المشرق؛ المنجد فی اللغه العربیه المعاصره؛ بیروت: دار المشرق، ۲۰۰۰ م.
- دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت نامه؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
- سبزواری، سید عبدالعلی؛ مواهب الرحمن فی التفسیر القرآن؛ بیروت: مؤسسه اهل البیت(ع)، ۱۴۱۹ ق.
- شهید ثانی، زین‌الدین‌بن‌علی؛ شرح اللمعه الدمشقیه؛ ترجمه‌ی علی شیروانی؛ قم: دارالعلم، ۱۳۸۷ ش.
- طبرانی، سلیمان‌بن‌احمد؛ المعجم الکبیر؛ قاهره: مکتبه ابن‌تیمیه، بی‌تا.
- طبرسی، فضل‌بن‌الحسن؛ مکارم الاخلاق؛ قم: شریف رضی، ۱۳۷۰ ش.
- طبرسی، فضل‌بن‌الحسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ ق.

- طوسی، ابوجعفر محمدبن‌حسن؛ تهذیب الاحکام؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
- فتال نیشابوری، محمدبن‌حسن؛ روضة الواعظین و بصیره المتعظین؛ قم: شریف رضی، ۱۳۷۵ ش.
- قائمی، امیری؛ خانواده و تربیت کودک؛ تهران: امیری، ۱۳۷۰ ش.
- کراجکی، محمدبن‌علی؛ کنزالفوائد؛ قم: دارالذخائر، ۱۴۱۰ ش.
- کلینی، ابوجعفر محمدبن‌یعقوب؛ الکافی؛ قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۷ ش.
- متقی هندی، علاءالدین علی‌بن‌حسام‌الدین؛ کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال؛ موسسه الرساله، ۱۴۰۱ ق.
- مجلسی، الشیخ محمدباقربن محمدتقی؛ مرآة العقول؛ تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۴ ق.
- ـــــــــــــــــــ؛ بحار الانوار؛ بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- محمدی ری‌شهری، محمد؛ حکم النبی الاعظم(ص)؛ قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، ۱۴۲۹ ق.
- محمدی ری‌شهری، محمد؛ میزان الحکمه؛ قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، بی‌تا.
- معین، محمد؛ فرهنگ فارسی؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۹ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- مدرسی، محمدتقی؛ تفسیر هدایت؛ مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷ ش.
- معینی‌فر، محدثه؛ «بررسی حق کودک بر هویت در اسلام و اسناد بین‌المللی»؛ فقه و حقوق خانواده، دوره‌ی ۱۷، شماره‌ی ۵۶، ۱۳۹۱ ش.
- نبی‌نیا، خالد؛ مسجدسرای، حمید؛ «نقد و بررسی فقهی ادله اعتبار کتابت دین»؛ آموزه‌های فقه مدنی، شماره‌ی ۸، ۱۳۹۲ ش.
- نجفی، محمدحسن؛ جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ ق.
- نظری، علی‌اشرف؛ «تبیین مفهوم هویت از چشم انداز گفتمانی»؛ راهبرد، شماره‌ی ۴۹، سال هفدهم، ۱۳۸۷ ش.
- نوری، میرزاحسین؛ مستدرک الوسائل؛ قم: موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث، بی‌تا.
- وزیری، مجید؛ حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام و موارد تطبیقی آن؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۴ ش.
- هرمیداس باوند، داود؛ «چالش‌های برون مرزی و هویت ایرانی در طول تاریخ»؛ اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره‌ی ۱۳۰-۱۲۹، ۱۳۷۷ ش.
- الهندی، علاءالدین علی المتقی‌بن‌حسام الدین؛ کنز العمال فی سنن االاقوال و االافعال؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ ق.
- 44. Albert Ellis & Robert M. Beechley (1954), Emotional Disturbance in
- Children with Peculiar Given Names, 85 J GENETIC PSYCHOL